



عکس: انظر خسته، مهور

طباطبایی، تیر ترکش تبریز

مسلم است که نگارنده این ادعای غیرصادقانه و نادرویشی را ندارد که می‌شود اندیشه فیلسوف را در مقاله‌ای خواند، حتی از ظن خود، که به‌ظاهر چاره‌ای هم نیست؛ اما می‌شود به گوشه‌هایی از آن توجه داد و خوانند طباطبایی را به موقعی یا ایستادن به وسیع‌تر یعنی به اقتضای تاریخ ایران و تجویز آن، در عهده آینده‌یویان باهوش گذاشت. مجالی که گنجایش تولید تاریخ، از طریق تولید متن را داشته باشد. و نه در این نامجال تنگ و حتی شاید تا حدی متفرعن و تفننی.

باین همه به نظر من، مهم‌ترین کار طباطبایی، دادن اعتمادبه‌نفس از طریق تزییق آگاهی برای ایستادن بر جغرافیای خود بوده است. و به نوعی شاید بشود گفت که محل تحریر دعوا را به بهترین نحو تعریف کرد و تغییر داد. و آن نیز چنان که گفتیم، ایستادن بر جغرافیای خود و کاویدن آن برای تولید آگاهی تاریخی و نه تقلید و توسل به دیگری بوده است. برای همین است که دوباره باید بگویم، اندیشه دکتر طباطبایی باید خوانده شود و از محل خوانش این اندیشه است که می‌شود به جلورفت؛ زیرا تولید متن شده است.

برای همین منظور، یعنی برای برگرداندن مخاطبان و مقلدان، یعنی وابستگان چشم و گوش دیگری، طباطبایی، در وهله نخست، سعی در نشان دادن ماهیت ایدئولوژی و تبعات خرابکارانه آن کرد. و از طریق خواندن آثار ایدئولوژی‌زده، به‌آسانی از عهده این مهم برآمد و روشنفکرزدایی و ایدئولوژی‌گرایی بعد از پیروزی مشروطه را به سرانجام رساند. و پس از آنکه به نامتون ناموزون و شبه‌تاریخی اما کم و گورکننده ایدئولوژیک و روشنفکران تاخت، به سوی ایران برگشت. برای نمونه می‌نویسد: «دواورد سعید، افرون بر اینکه به لحاظ سیاسی روشنفکر بی‌وطنی به شمار می‌آمد، به‌عنوان روشنفکر نیز وطنی نمی‌توانست داشته باشد؛ یعنی او که آگاهی «ملی» نداشت، تاریخ‌نویس فرهنگ و تمدن خاصی نیز نمی‌توانست باشد. روشنفکری بی‌وطنی در میانه‌ی است و ازاین‌رو هر روشنفکری، به‌ویژه در کشورهایی که -به گفته شاملو- به هر چه‌ای مسیحی است، بی‌صلیب و جلجتا احساس جهانی شدن می‌کند که مندرج در تحت پیامبری است و موضوع «تاریخ پایه‌ای» نمی‌تواند باشد. (۱) براساس این می‌بینیم که طباطبایی به ما می‌گوید، کسی که بیرون از تاریخ خود بایستد، نمی‌تواند حرف بزند. سخن را آنجا مجال ظهور است، که دارای پشتوانه‌ای از آگاهی ملی باشد. که این خود جز از درون تاریخ و متن مورخی مصاحب تاریخ، تولید نمی‌شود. و از آنجایی که مبنای سخن نمی‌تواند جز از درون تاریخ باشد، پس همه آنان که جهان وطن‌اند، در اصل بی‌وطن‌اند و نمی‌توانند سخن بگویند؛ حتی اگر حرف بسیار بزنند؛ زیرا «تاریخ جایگاه تکوین آگاهی ملی و تاریخ‌نویسی جایگاه تدوین صورتی از این آگاهی است و موضوع‌گیری فلسفی و «فلسفه تاریخی» بدون این آگاهی ملی امکان‌پذیر نیست. (۲) براساس این روشنفکران، مقلدان و همه‌جاوطنان، در اساس بی‌وطن‌اند؛ زیرا مبنای خود را از طرق آگاهی به تاریخ خود نگرفته‌اند. پس بی‌وطن‌اند؛ زیرا نه در مسقط‌الراس خود سخنی دارند؛ چون آگاهی تاریخی ندارند و مسئله آنکه نه در وطن دیگران می‌توانند سخنی داشته باشند و با توسل به مبنای آنان سخن بگویند؛ زیرا تاریخ ندارند و انسان بی‌تاریخ، همانند کشور بی‌تاریخ، نمی‌تواند سخن بگوید. به سخنی دیگر، نقطه‌الرشدیمی‌سامهان جغرافیای ملی است و برای همین است که «سیسرون» می‌گوید: «کسی که کشور ندارد چیزی ندارد». بر این مبنا ما نه‌تنها خود باید تاریخ خود را بنویسیم؛ بلکه آنجایی که به‌ناچار به تاریخ جهان نیاز داریم، باید خود و با ذهنیت خود تاریخ دیگری را برای خود بنویسیم؛ زیرا در اینجا ذهنیت تاریخی واقعیتی است مهم‌تر، که ماهیت عینیت ما را می‌آفریند. و اینجاست که باید از شعار گریخت، به شعور پیوست؛ یعنی به ایران. ولی این مانع از آن نیست که از دانش دیگران استفاده شود. چنان‌که می‌نویسد: «بدیهی است که تاریخ غربی بخشی از دانش غرب است و فهم غربی نیز مبتنی بر مواد تاریخ غربی است؛ اما این امر نباید مانع از آن شود که با تصرفی در مضمون برخی از مفاهیم تاریخ‌نویسی غربی، مواد تاریخ

ایران را به محک آن مفاهیم بزنیم. اینکه روشنفکری در بیرون مناسبات- چنان‌که مورد ادوارد سعید را می‌توان نمونه‌ای بارز از مصادق‌های آن دانست- با تکیه بر نظریه‌های غربی، مانند نظریه استعمار و البته گونه‌های جدیدتر آن مانند دیدگاه‌های ایدئولوژیکی میشل فوکو، در بنیادهای فرهنگ غرب پیچیده است. دستاوردی برای این روشنفکری به شمار نمی‌آید؛ زیرا روشنفکران، نه‌تنها روشنفکران غربی، بلکه حتی ادوارد سعیدها به‌عنوان سخنگویان «مستضعفان» فکری می‌مانند؛ زیرا نمی‌توانند بمانند. خاستگاه این وضع بیشتر از آنکه ناشی از چیزی غرب بر شرق باشد که هست؛ زیرا «دانستن توانستن است» عدم تکوین آگاهی جدید انسان شرقی است.(۳) بر این مبنا ما را به راهی رهنمون می‌کند، که شاید گذشتگان بسیار شایسته‌تر از ما می‌ما، در خواندن نصوص غربی و اسلامی در هزار سال قبل راه سپرده‌اند؛ یعنی از آنجایی که به تاریخ خود اشراف داشته‌اند، تاریخ غرب و شرق را بر متن تاریخ ایران خواندند؛ یعنی توان گفتن داشته‌اند. که به یاد گفته‌ای از «زیاد بی‌پدر یا ابن ابیه افتادهم، وقتی او گزارش پیروزی سپاهیان عرب را بر ایرانیان داده بود و خلیفه گفت: «این «ابن زیاد» سخزوری خروشان و زبان‌آور و راست. گفت: سپاهیان ما زبان‌های ما را باز کرده‌اند.» (۴) و منظور اینکه در اینجا تنها در متن تاریخ خود بودن را می‌توان به‌عنوان نیروی بیروز همره دانست، تا توان گفتن داشت؛ زیرا در مسیر تاریخ خود بودن است، که این تاریخ مانند آغوش مادری، زبان‌ها را می‌گشاید و سخن می‌آموزاند... و از آنجایی که روشنفکری مبانی خود را از جغرافیای سایر گرفته است و به تبع این معضل، تاریخ خود را نفهمیده است، نمی‌تواند تاریخ دیگری را بفهمد؛ پس نمی‌تواند سخن بگوید که تمام نوشته‌های این دسته از روشنفکران گواهی مناسب بر این ادعااست.

دیگر معضل اساسی، به‌ویژه از دهه بیست به بعد سده خورشیدی گذشته ایران، سیزطه کامل ایدئولوژی و اقبال به‌اصطلاح نخبکان به ایدئولوژی بوده است، که این ایدئولوژی هیچ مناسبت و سنخیتی با تاریخ ندارد. ایدئولوژی در اصل شاید به‌مثابه سسط تاریخ است بر اثر نایافتگی محیط مناسب برای تولید خود تاریخ. اگر تاریخ را ناحیه درگیری انسان با زمان جهت فرار از تریلوژی محتوم ترازدی در نظر بگیریم، که در صورت ناکامی، آدمی را ناچار می‌دارد، تا از تاریخ به استوره سقوط کند و برای همیشه از زمان خطی تاریخی (و البته نه هندسی) به زمان دورانی استوره درغلندت و آناشت باشد. آن به‌مثابه آگاهی به گزینه برسد، ایدئولوژی یک سرکردمی ناشیانه و خارج‌نوازی از تاریخ بیش نیست. و از آنجایی که از وجود بی‌وجه اصلی ایدئولوژی، چشم‌بندی و تقلید است، کم‌گشتگان مسیر دانایی را در این نامسیر بگیران‌رو، آوارگی‌ها بسیار است. برای همین است که بعد پیروزی مشروطه، بی‌اعتنایی به تاریخ و ناتوانی در خواندن آن، باعث ناتوانی در خوانش مشروطه شده است. و اذهان سهل‌طلب و بی‌مایه و شاهراره، به ناراه ایدئولوژی افتاده‌اند، که توسط دیگران و به منظور حتی به‌دست‌گرفتن قدرت، به هر طریقی تولید شده بود. نه تاریخ‌خوانی و ایجاد آگاهی تاریخی که محل مناسب تولید آگاهی ملی و اقتضات آن است. تا باعث تولید چشم‌انداز شود و بتوان با دیدن آن و دخالت در آن، به جامعه سمت و سود داد.

در ایں وضع، تاریخ مستقتر بر جغرافیای ما، براساس ماهیت و اقتضای خود، از ترکش تبریز، تیری دیگر رها کرد. مردی میهن‌دوست و فیلسوف، که مانند همه بزرگان تاریخ ما، بگت‌ته‌ا اما محکم در مقابل کژی ایستاد. و نسلی را به مسیر درست تاریخ خود رهنمون شد. دکتر طباطبایی با روشنفکری، ایدئولوژی‌زدگی و با اصطلاح نخبه‌گرایی متفرعن، با خشمی علائنه تاخت و در این عمل به مثابه تخلیه ذهن نسل جدید، به تخلیه این اذهان پرداخت. تا نسل جدید بتوانند در مسیر درست تاریخ‌خوانی و تاریخ‌دانی به دانشمندی برسند. و با پشتوانه این تاریخ در خود، ضمن خواندن چشم‌اندار و حتی تعریف و تصحیح آن، در جغرافیای سایر نیز بتوانند سخن بگویند. و سری یا سرهایی را برگرداند و در این مسیر، تعامل فرهنگی صورت گیرد، که باعث قدرت زبان است و قدرت زبان همانا قدرت انسان است. اینجاست که می‌توانیم با تولید تاریخ، خود را مستقر کنیم. نه مانند مقلدان که با هر نرمک نسیمی به سویی می‌فقصند. برای همین منظور، دکتر طباطبایی کتاب «تاملی درباره ایران» را می‌نویسد. یعنی بر جغرافیای تاریخی خود می‌ایستد و تاریخ آن را می‌کاود و در دیباجه دفتر نخستین جلد چنین می‌نویسد: این دفتر نخستین جلد از پژوهش‌های من درباره وجوهی از تاریخ دوران «جدید» ایران است. این دفتر نیز را از این حیث با عنوان کلی «تاملی درباره ایران» عرضه می‌کنم که به دفترهای پنج‌گانه آن، چنان‌که خواهد آمد، «تاریخ» در معنای رایج آن نیست... در این تاریخ «ایران» موضوع تاملی است که به‌طور اساسی نظری است تا بتوان وجوه متنوع ناحیه‌های اندیشیدن آن را در وحدت ناحیه‌های مستقل، اما به‌هم‌پیوسته توضیح داد. در جلد دوم به نظریه حکومت قانون می‌پردازد که بخش نخست بحث درباره مکتب تبریز و مبنای تجدد خواهی آن، و بخش دوم آن مبانی نظریه مشروطه‌خواهی.

در همین فراز از درآمد، چنان‌که می‌خوانیم، طباطبایی، ایران را به عنوان موضوع «اساسی اندیشیدن ایرانی» می‌داند و با این قصد وارد میدان می‌شود تا وجوه متنوع نواحی اندیشیدن این ایران را در وحدت نواحی مستقل این اندیشیدن، توضیح دهد. یعنی این ایران در بدو امر، از وحدت نواحی مستقل اندیشیدن که ضمن حفظ شئون خود، در وحدت با نواحی دیگر، شان برتر و مهم‌تری می‌آفرینند که همان ایران است که حسب قاعده گمنشتال، کل همیشه از مجموع اجزا بزرگ‌تر است. با توجه به این نکته مهم که این اجزا تنها به صورت کمی با هم جمع نشده‌اند، بلکه به صورت کیفی در هم مجموع شده‌اند، که از مجموعیت ریاضی در می‌گذرد و به ترکیب می‌رسد، که دارای کیفیت و کمیت نادری است، که همان «ایران» است. برای همین است که جهت خواندن ایران، باید تمام اجزا در استقلال و در وحدت و ترکیب خوانده شود. زیرا ایران «وحدت وحدت در کثرت» است. پس در همین فراز، دکتر طباطبایی، چگونگی خواندن تاریخ ما را به ما می‌گوید. و از آنجایی که نواحی متنوع اندیشیدن، نمی‌توانند جدا از نواحی متنوع این موضوع مهم تاریخی ما یعنی «ایران» باشند، پس جهت خواندن و تولید تاریخ ایران، اگر تنها به ایران سیاسی قناعت کنیم راهی به دهی نخواهیم برد. یعنی تاریخ ما تنها به مرزهای سیاسی فعلی محدود نمی‌شود. و حتی اگر این نواحی نظری و معنوی باشند، بی‌شک از نواحی زمینی و مادی تولید می‌شوند. بنابراین، در تزه‌ای موقتی بیست‌ویک‌گانه که به عنوان فرضیه‌هایی مطرح می‌کند، در چندین بند

از ایران فرهنگی می‌گوید: «ایران‌زمین، در معنای دقیق آن، ایران بزرگ فرهنگی است. ایران جغرافیای سیاسی کنونی تنها ناحیه‌هایی از این ایران‌زمین فرهنگی است... ایران بزرگ فرهنگی تنها از آن ایرانیان محدوده جغرافیای سیاسی امروز ایران نیست. میراث همه اقوامی است که سهمی در آفریدن آن میراث مشترک داشته‌اند. اگرچه بسیاری از آن اقوام، به لحاظ سیاسی، به ملت‌های مستقل تبدیل شده و سرنوشته سیاسی جدای خود را رقم زده‌اند... (۵) برای همین است که هیچ‌کس نمی‌تواند ایران را از مشکل به مسئله برساند و به حل مسئله خود اقدام کند، مگر اینکه این «وحدت وحدت در کثرت» در ایران را بفهمد که این مرزهای سیاسی فقط در سیاست اعتبار دارند و نه در سیاسات. زیرا مرزهای اصلی در آنجایی ایجاد می‌شود که تاریخ و در ذیل آن مشترکات فرهنگی پایان یابد. بر این بنیاد، کسانی می‌توانند «ایران» را بخوانند که سواى مرزهای سیاسی، جغرافیای ایران فرهنگی و تاریخ آن را خوانده باشند. و جالب‌تر اینکه حتی در داخل ایران سیاسی اگر بخواهیم تاریخ ناحیه کوچکی را بنویسیم، به ناچار با تاریخ ملی رویارو می‌شویم. جغرافیای فرهنگی‌ای که معارف تاریخی آن در طول هزاره‌ها، برای ساختن فضای استعاری این مردمان، دارای اساسی تا حد یکسانی، اما متنوع بوده است و این تنوع باعث ترکیبی زیاست که هیچ‌گاه نمی‌توان این جغرافیا را از طریق مرزهای سیاسی متمایز ساخت. به سخن دیگر این جغرافیا در تنوع دارای شخصیت تاریخی است و نه در تمایز. و می‌بینیم آنان که خود را از ایران جدا می‌دانند، نمی‌توانند سخن بگویند، مگر موراثت مشترک این ایران را برای خود برابند. و نتیجه جز این نیست که تنها، در پروتو آگاهی به تاریخ این ناحیه بزرگ است که ما می‌توانیم تاریخ دیگران را بخوانیم و بنویسیم. یعنی ما تنها در ناحیه ملی فرهنگ خود می‌توانیم حرف بزنیم. ملیتی که «وحدت وحدت در کثرت»، است. که در داخل ایران تاریخی این ترکیب در همه وجوه و با تمام وجود، خود را می‌نمایاند. اما در خارج ایران سیاسی و در داخل ایران فرهنگی، اگرچه از نظر سیاسی جدا افتاده‌ایم، باز این ترکیب همچنان در اساس خود، یعنی تاریخ خود‌نمایی می‌کند و در بیرون این منطقه بزرگ اما استثنایی، زبان ما نمی‌تواند سخن بگوید. یعنی نمی‌تواند جهانی را تولید کند تا خود در آن نفس بکشد. البته چنان‌که خود طباطبایی با نگرانی توضیح می‌دهد: «این روش بر خلاف بحث در مکان‌های بسته نظام سنت قدمایی، مندرج در تحت «بارگشت به خویشتن» و «آنچه خود داشت...» نیست تا بتواند با پیوندی میان نظام مفاهیم جدید و «موضوع» ایران راهی نو در مباحث نظری باز کند (۶).

طباطبایی در نظر داشت در جلد سوم، در دو دفتر، نظریه‌ای برای مشروطیت ایران و دگرگونی‌های آن تا انقلاب ۵۷ تدوین کند. اما چنان‌که خود به‌درستی در تز بیست‌ودوم اعلام می‌کند مهم‌ترین نکته در این تزه‌ای بیست‌وسه‌گانه، مفهوم جدید در قدیم است. که اعتقاد دارد نظریه انحطاط ایران را هم با توجه به آن می‌توان نوشت. چنان‌که خود می‌گوید: «نظریه انحطاط ایران همچون دیباجه‌ای بر نوزایی ایران است که اگر تحقق پیدا کند بایدند آن را دومین نوزایش ایران خواند... (۷) و چنان‌که خود شرح می‌دهد خواندن تاریخ با عینک ایدئولوژی باعث بر این معضل شده است که جدید در قدیم، به قدیم پیوسته شود. نه اینکه قدیم پوست بیندازد و جامه جدید بپوشد. از آنجایی که ماهیت تاریخ، جلال حال و لحظه قبل است، و جامعه فام در حال شدن، جدید در قدیم مضامین همان مفاهیمی هستند که تحول‌پذیرند و اگر این تحول‌پذیری دارای بسامد بالا باشد، یعنی حرکت دارای کیفیت و کمیت بیشتری باشد، در این مقطع باعث گسست و نوزایش می‌شود. این نوزایش از آنجایی که با حرکتی سریع‌تر از قبل و بعد خود به هر دلیلی به‌وجود آمده است، نباید گمراهمان کند که گسستی کامل با سنت ایجاد شده است. بلکه به هر صورت دارای پیوست با سنت است و از دل سنت یعنی از گذشته فعال بیرون تراویده است. بر این اساس آنچه که اقتضای تاریخ ایجاب کند، با مفاهیم مستعد، در اثر تحول تغییر مضمون می‌دهند، یا مستهلک می‌شوند و مفاهیم جدیدی با مضامینی جدید تولید می‌شوند. بر این اساس برای اینکه بتوانیم نوزایش یعنی حرکتی سریع که باعث تغییر سریع جهان انسان‌ها شود را درباییم، باید به بسامد این جدیدهای مستعد تحول در هر قدیم را بفهمیم. در غیر این صورت، در هر دوره‌ای جدیدهایی در قدیم هستند. اما تکاوفی تولید این نوزایی را نمی‌کنند. اینکه این دوره ما با دوره تمدن درخشان دوره اسلامی در سده‌های سوم تا پنجم بی شباهت نیست، سخنی درست است. اما از طرفی دیگر، بیستتر از شباهت مغایرت و اختلاف نیز دارد. اقتضای تاریخی ملتی کهن اما مورد هجوم قرارگرفته و تاراج‌شده حکم می‌کرد تا نیاکان، ما واردات شرق و غرب و اسلامی را بر متن فرهنگ خود بخوانند. به سخن دیگر اقوام مهاجم عرب، کم جهان بوده‌اند و غرب نیز در آن زمان، که بیشتر همان یونان بوده است که در سده‌های بعد توسط غربیان مصادره شد، تا حدود بسیار زیادی متأثر از ایران بود. ضمن اینکه دانشمندان ایرانی آن دوره به تاریخ خود اشراف داشته‌اند. اما امروز هرچند تاریخ ما متورم و آبیستن است، مشکل ما در این است، که نه به تاریخ خود معرفت درستی داریم، تا آن را بزایانیم و نه دنیای غرب در موقع ضعف‌تری از دانایی قرار دارد و به همین جهت است که بیش از سده‌ای است که سیل مفاهیم غربی به زبان بی‌اقتصاد ما هجوم آورده و زبان و جهان ما را و به تبع آن ذهن انسان ایرانی را مخدوش کرده است. و البته راهی که دکتر طباطبایی برای بیرون‌رفت از این مشکل می‌نمایاند، دیدن جدید مستعد تحول در قدیم است که چندباره باید تکرار کنم، تا تاریخ خود را نخوانده باشیم، این دیدن امری محال است.

منابع و ماخذ

- ۱- جواد طباطبایی، تاملی درباره ایران، انتشارات مینوی خرد، چاپ سوم، ۱۳۹۷، صص:۱۸۱**
- ۲- همان، ص ۵۱۲**
- ۳- همان، ص ۵۱۲**
- ۴- عزالدین ابن اثیر، تاریخ کامل، جلد چهارم، برگردان دکتر سیدحسین روحانی، انتشارات اساطیر، چاپ سوم، ۱۳۸۵، ص ۱۴۴۱**
- ۵- ماخذ شماره چهار، ص ۵۲، تز شماره ۲**
- ۶- همان، ص ۵۱**
- ۷- همان، ص ۶۷**



تنها با امتیازهای اسنپ‌کلاب خود در این کار نیک سپیم باشند. اسنپ به ازای هر دو هزار امتیاز کاربران، مبلغ چهار هزار تومان به تأمین هزینه حفاظت از گونه خرس قهوه‌ای کمک می‌کند. همچنین کاربران می‌توانند در طرح‌های دیگر نیکوکاری اسنپ‌کلاب از جمله کمک‌هزینه در مان کودکان پرورانه‌ای و تأمین هزینه ساخت زمین فوتبال برای کودکان و نوجوانان شهرستان قزوین در جنوب استان سیستان‌وبلوچستان نیز مشارکت داشته باشند.

حمایت از گونه خرس قهوه‌ای در طرح نیکوکاری اسنپ

اهمیت توجه به خرس قهوه‌ای در این است که این گونه در گروه گونه‌های چتر قرار می‌گیرد. گونه چتر یا سایبان به جانورانی اطلاق می‌شود که زیست آنها سبب حمایت از حیات دیگر گونه‌ها خواهد بود. لازم به یادآوری است که هرچند خرس قهوه‌ای در حال حاضر در طبقه‌بندی گونه‌های در حال انقراض قرار نمی‌گیرد، اما به دلیل سطح تعارض بالایی که با انسان دارد، می‌تواند به سرعت در دسته‌بندی گونه‌های کمیاب قرار گیرد.

مشارکت اسنپ در طرح حفاظت از خرس قهوه‌ای

اسنپ در جدیدترین طرح نیکوکاری خود، با همکاری مؤسسه پایشگران حامی محیط زیست (پاما)، طرح حفاظت از خرس قهوه‌ای را طی چند گام در استان مازندران به‌عنوان یکی از زیستگاه‌های اصلی این گونه و دارای بیشترین تعارض گزارش‌شده خرس و انسان اجرا خواهد کرد.

انجمن پاما، انجمنی غیردولتی و داوطلبانه است که از سال ۱۳۹۰ در نقش توان‌افزایی، تسهیل‌گری و جلب

اسنپ از آغاز طرح جدید نیکوکاری اسنپ‌کلاب با عنوان

«حفاظت از گونه خرس قهوه‌ای» خبر داد. این طرح که با همکاری «انجمن پایشگران حامی محیط زیست» انجام می‌شود، چهاردهمین طرح نیکوکاری باشگاه مشتریان اسنپ در راستای عمل به مسئولیت اجتماعی این شرکت است. دستیابی به تغییرات مثبت در حوزه حفاظت از گونه خرس قهوه‌ای از طریق بالا بردن سطح آگاهی جامعه و همچنین کاهش تعارضات بین انسان و خرس از اهداف این طرح است.

اهمیت حفاظت از خرس قهوه‌ای

اسنپ در جدیدترین طرح نیکوکاری خود قصد دارد در راستای حفاظت از گونه خرس قهوه‌ای قدم بردارد.

زیستگاه خرس قهوه‌ای اغلب مناطق جنگلی و کوهستانی است؛ به همین دلیل این گونه در اکثر مناطق کوهستانی رشته‌کوه‌های زاگرس و البرز و همچنین جنگل‌های خزر و ارسباران، خراسوندک، آذربایجان،

لرستان، خوزستان و فارس یافت می‌شود.



دانشگاه علوم پزشکی و بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری در نظر دارد نسبت به واگذاری انجام امور تهیه، طبخ و توزیع غذای واحدهای تابعه خود (معاونت دانشجویی – بیمارستان امام رضا (ع) اردل – بیمارستان امام جواد (ع) ناغان) را به تفکیک از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای اقدام نماید. بدینوسیله از متقاضیان واجد شرایط دعوت می گردد جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ ساعت ۸ صبح لغایت ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

ساعت ۱۳ به سایت www.setadiran.ir مراجعه نمایند. لازم به ذکر است مهلت اعتبار پیشنهادات از تاریخ آخرین روز تحویل و بارگذاری اسناد بمدت ۲۰ روز می باشد که به مدت ۲۰ روز دیگر نیز قابل تمدید می باشد و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به تفکیک در اسناد مناقصه درج گردیده است.

شناسه آگهی : ۱۵۳۴۶۳۴



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری در نظر دارد نسبت به واگذاری انجام امور تهیه، طبخ و توزیع غذای واحدهای تابعه خود (معاونت دانشجویی – بیمارستان امام رضا (ع) اردل – بیمارستان امام جواد (ع) ناغان) را به تفکیک از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای اقدام نماید. بدینوسیله از متقاضیان واجد شرایط دعوت می گردد جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ ساعت ۸ صبح لغایت ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

ساعت ۱۳ به سایت www.setadiran.ir مراجعه نمایند. لازم به ذکر است مهلت اعتبار پیشنهادات از تاریخ آخرین روز تحویل و بارگذاری اسناد بمدت ۲۰ روز می باشد که به مدت ۲۰ روز دیگر نیز قابل تمدید می باشد و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به تفکیک در اسناد مناقصه درج گردیده است.

شناسه آگهی : ۱۵۳۴۶۳۴



دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری در نظر دارد نسبت به واگذاری انجام امور تهیه، طبخ و توزیع غذای واحدهای تابعه خود (معاونت دانشجویی – بیمارستان امام رضا (ع) اردل – بیمارستان امام جواد (ع) ناغان) را به تفکیک از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای اقدام نماید. بدینوسیله از متقاضیان واجد شرایط دعوت می گردد جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ ساعت ۸ صبح لغایت ۱۴۰۲/۰۵/۱۱

ساعت ۱۳ به سایت www.setadiran.ir مراجعه نمایند. لازم به ذکر است مهلت اعتبار پیشنهادات از تاریخ آخرین روز تحویل و بارگذاری اسناد بمدت ۲۰ روز می باشد که به مدت ۲۰ روز دیگر نیز قابل تمدید می باشد و مبلغ تضمین شرکت در مناقصه به تفکیک در اسناد مناقصه درج گردیده است.

شناسه آگهی : ۱۵۳۴۶۳۴

دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی استان چهارمحال و بختیاری در نظر دارد نسبت به واگذاری انجام امور تهیه، طبخ و توزیع غذای واحدهای تابعه خود (معاونت دانشجویی – بیمارستان امام رضا (ع) اردل – بیمارستان امام جواد (ع) ناغان) را به تفکیک از طریق مناقصه عمومی یک مرحله ای اقدام نماید. بدینوسیله از متقاضیان واجد شرایط دعوت می گردد جهت دریافت اسناد مناقصه از تاریخ ۱۴۰۲/۰۵/۰۳ ساعت ۸ صبح لغایت ۱۴۰۲/۰۵/۱۱